

## بررسی فرایند حذف و درج و تضعیف در گویش گزی با رویکرد نظریه زایشی

### واژگان کلیدی

\* تضعیف

\* حذف

\* درج

\* فرایند واجی

دکتر محمدرضا احمدخانی\* dr.ahmadkhani@gmail.com

دانشیار گروه زبانشناسی و زبان خارجه دانشگاه پیام نور تهران، ایران

دکتر علی کریمی فیروزجائی\* alikarimif@yahoo.com

دانشیار گروه زبانشناسی و زبان خارجه دانشگاه پیام نور تهران، ایران

بهناز ضرابی\* linguistics.official2@gmail.com

کارشناس ارشد زبان شناسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران

چکیده:

هدف از این تحقیق بررسی ویژگی فرایندهای واجی گویش گزی از توابع استان اصفهان در چارچوب زایشی است. این تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی براساس نظریه زایشی شکل گرفته است. داده‌های پژوهش از بین ۲۵ گویشور گزی شامل ۱۶ زن و ۹ مرد در محدوده سنی ۱۸ تا ۶۰ سال جمع‌آوری شده است. داده‌های از طریف مصاحبه و پرسشنامه کتبی جمع‌آوری و در نرم افزار پرت بررسی شد. این تحقیق به توصیف فرایندهای واجی گویش گزی در مقایسه با زبان فارسی معیار می‌پردازد. گویش گزی بازمانده گویش پهلوی از شاخه گویش‌های فارسی است. تاکنون تحقیقات کمی با موضوع گویش گزی انجام شده است. در این گویش واکه‌هایی دیده می‌شود که در زبان فارسی معیار وجود ندارد. این پژوهش باهدف بررسی فرایندهای واجی پرتکرار گویش گزی مانند حذف، درج و تضعیف انجام گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که فرایندهای واجی گویش گزی در چارچوب دیدگاه زایشی قابل توصیف و تحلیل است.

## ۱- مقدمه

مقایسه تفاوت و شباهت و بررسی روابط متقابل مشخصه‌های واجی در مبحث گویش‌شناسی تاریخی رویکردی است که هم در نظریه زایشی و هم در دیدگاه بهینگی مدنظر قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

اعمال قوانین واجی را در سه مرحله بیان می‌کند:

۱- درونداد که تمایز آواها با یکدیگر مشخص می‌شود و تغییرات بر آن وارد می‌شود.

۲- برونداد که تحت تأثیر فرایند واجی قرار می‌گیرد.

۳- بافت که محل اعمال قوانین واجی است.

گویش‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی است که به جمع‌آوری و ثبت آوایی گویشوران یک منطقه خاص می‌پردازد. واج‌ها خودبه‌خود ایجاد نمی‌شوند بلکه واج‌گون‌ها در اثر کاربرد مکرر باعث تغییر آوایی می‌شوند. وام‌گیری، چند زبان‌گونگی و آمیزش گویش‌ها و زبان‌ها از عوامل مؤثر در روند تغییرات زبانی است.<sup>۲</sup>

در مقاله حاضر به سبب حجم اطلاعات گردآوری‌شده و تفصیل داده‌ها به فرایند حذف و درج و تضعیف می‌پردازیم. در این مقاله درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر هستیم:

- فرایندهای حذف و درج و تضعیف در گویش گزی در چارچوب نظریه زایشی چگونه توصیف می‌شود؟

- تمایز واج آوایی گویش گزی و فارسی معیار چگونه است؟

دستاوردهای این پژوهش جهت بررسی رابطه و خویشاوندی گویش‌ها و مطالعه تغییرات زبانی مفید است. به‌طور کلی مطالعات گویش‌شناسی در تحقیقات گونه‌شناسی اساسی است.

ثبت گویش‌ها و مستندسازی آن‌ها در تهیه اطلس زبانی هزینه و زمان زیادی طلب می‌کند لذا این داده‌ها دسترسی به اطلاعات را تسهیل می‌نماید. از آنجاکه گویش گزی از گویش‌های بالقوه در خطر است و موقعیت مطلوبی ندارد لذا ثبت آن سبب حفظ و مستندسازی بخشی از فرهنگ

۱ کاردن (۲۰۱۶) ۱

۲ کیپارسکی، (۲۰۱۶) ۲

ایرانی است. داده های گویش شناسی در تمام مطالعات فرهنگی، اجتماعی و گونه شناسی حائز اهمیت است.

مطالعه سایر فرایندهای واجی مانند همگونی، ادغام، ابدال... و روند اشتقاق این گویش از زبان پهلوی به سمت زبان فارسی امروزی زمینه مطالعاتی مناسبی خواهد بود.

## ۲- پیشینه

از جمله مطالعات صورت گرفته با محوریت گویش گزی در تحقیقات خارجی می توان به کتاب ژوکوفسکی (۱۹۲۲) اشاره نمود که بیشتر به صرف افعال پرداخته است و اطلاعات واج شناسی در آن مختصر می باشد. کتاب دیگر اثر آیسلر محقق آلمانی (۱۹۷۹) است که در آن به ریشه شناسی مقایسه ای آلمانی و گویش گزی پرداخته است (اسماعیلی، ۱۳۹۵). مطالعات داخلی انجام شده نیز بسیار اندک است از جمله می توان به مقاله "ساختار فعل در گویش گزی" اثر فاضل (۱۳۸۶) اشاره نمود که وی به مبحث فعل پرداخته است. عظیمیان (۱۳۸۷) در دو فصل از پایان نامه خود به آواها و مصوت های گویش گزی پرداخته است.

## ۳- روش اجرا

این پژوهش بنیادین و به شیوه تحلیلی-توصیفی تهیه شده است. داده ها در ابتدا از طریق مصاحبه میدانی و پاسخ گویی به پرسشنامه توسط ۲۵ گویشور بومی به شکل تصادفی تهیه گردید. همچنین اطلاعات لازم به صورت اسنادی و کتابخانه ای از طریق فیش نویسی گردآوری شد. سپس داده ها در نرم افزار اکسل ثبت و طبقه بندی تحلیل گردید. داده ها به صورت آوانگاری IPA ثبت شده اند.

## ۴- تجزیه و تحلیل

با توجه به گستردگی مبحث تحلیل فرایندهای واجی در این مطالعه به دو فرایند حذف و درج در گویش گزی در مقایسه با زبان فارسی پرداخته ایم. با توجه به رویکرد زایشی و قواعد این دیدگاه مراحل اشتقاق از زیرساخت به نمود آوایی بررسی گردیده است.

### ۴-۱. فرایند حذف

در طی فرایند حذف یک واحد زنجیره گفتار در یک بافت خاص حذف می شود یا با کاهش هجا روبرو هستیم. حذف ممکن است در طول زمان و در زمانی باشد یا آنکه ساختاری و در

گفتار برحسب قواعد نظام صوتی حاکم بر زبان وقوع یابد.<sup>۳</sup> در حذف ساختاری که بر اساس قواعد هم‌زمانی رخ می‌دهد، هم‌نشینی واحدهای واجی که برخلاف نظام صوتی زبان خاصی باشد و از نظر طبیعت آوایی زبان مورد پذیرش نباشد سبب حذف واحد واجی از زنجیره گفتار می‌شود. همخوان‌های خارج از بافت که عضو هیچ‌هجایی نیستند در معرض حذف تاریخی قرار دارند. مانند حذف واج /t/ و /d/ در خوشه سه همخوان در زبان فارسی (زعفران لو، ۱۳۹۷). حذف از انواع تضعیف به شمار می‌رود و کرش‌نر سه جایگاه برای وقوع تضعیف را مناسب می‌داند: بین واکه، پایانه هجا و پایان واژه (۲۰۰۴). زعفران لو (همان) دو فرایند حذف و درج را در تقابل می‌داند. حذف به سه شکل وجود دارد:

۱- حذف واج آغازین

۲- حذف واج میانی

۳- حذف واج پایانی

جهت بررسی فرایند حذف در این پژوهش رویکرد قاعده محور زایشی بکار گرفته شده است. بررسی قاعده حذف در چارچوب زایشی به شکل زیر بیان می‌شود اما در این قاعده بیان نمی‌کند که واج حذفی کدام است:

(قاعده ۴-۱)

$$V \rightarrow \emptyset / -V \quad V \rightarrow \emptyset / V-$$

زعفران لو (۱۳۹۷) ملاحظات ساختاری را مؤثر در فرایند حذف می‌داند. حذف برخی از همخوان‌ها پربسامدتر است. حذف خوشه همخوان آغازه در زبان فارسی یک تغییر تاریخی محسوب می‌شود. در گویش گزی از ۴۰۰ داده رخداد حذف استخراج شد. که با ذکر مثال چند مورد اشتقاق را از زیرساخت تا نمود روساخت بررسی می‌نماییم. قابل ذکر است که حذف شدیدترین نوع تضعیف است.

بر اساس قاعده ارجحیت واجی در فرایند حذف ساختار به سمت پیچیدگی کمتر می‌رود و اغلب با تغییر هجا روبرو هستیم. در جدول زیر می‌بینیم واژگان با حذف واج در جهت گرایش

(زعفران لو، ۱۳۹۴) ۳

عام زبان‌ها به سمت هجای فاقد پایانه و در نتیجه تغییر هجای بسته به باز و یا به سمت هجای سبک‌تر شکل گرفته است:

فارسی	برونداد	درونداد
تگرگ	/te.gar/	/te.garg/
صد	/sa/	/sad/
چراغ	/če.râ/	/če.râq/
چاه	/čê/	/čâh/

ساختار هجا در گویش گزی به صورت زیر می‌باشد:

cv-cvc-cvcc و نیز ساختار v-vc-vcc که هرگز هجای اول واقع نمی‌شوند چون به‌طور کلی در زبان فارسی واکه در آغاز واژه قرار نمی‌گیرد. بر همین اساس حذف واج آغازه اولین هجا در این گویش نیز رخ نمی‌دهد. همچنین حذف همخوان پس از واکه سبب کشیدگی واکه می‌شود. حذف همخوان پایانه هجا از پربسامدترین انواع حذف است که ناشی از ثقیل بودن و در جهت اصل اقتصاد کلامی است. بر اساس این اصل در شرایط مساوی گرایش زبان به کوتاه شدن، سادگی و عدم پیچیدگی است.<sup>۴</sup> زعفران لو (۱۳۹۴) دلیل وقوع فرایند فوق را تمایل زبان فارسی به کاربرد هجای متوسط می‌داند. در این حالت هجا کوتاه‌تر می‌شود (همان). حذف اغلب موجب کشش جبرانی می‌شود اما چون هجاهای CVCC و CVC در فارسی هجای سنگین محسوب می‌شود پس حذف همخوان پایانی همراه با حذف مورا و در نتیجه کشش جبرانی واقع نمی‌شود. نمونه‌هایی از حذف جایگاه پایانه هجا بدون تأثیر در کشش واکه در این گویش در جدول زیر آورده شده است: (در این داده‌ها فرایندهای دیگری نیز مشاهده می‌شود لیکن در این بخش به فرایند حذف پرداخته‌ایم.)

قاعده هجایی	فارسی	برونداد	درونداد
cvc→cv	باد	Vâ	bâd
cvcc→cvc	چرخ	Čâr	čâr x

(زمانی به نقل از هایمن، ۱۳۹۱) ۴

همان‌گونه که ذکر شد حذف همخوان پایانه هجا از گرایش‌های عام زبان‌ها به‌سادگی است و در این گویش نیز مشاهده گردید. حذف همخوان انفجاری دندانی پس از سایشی‌ها بسیار پربسامد است. و گرفته‌ها در پایانه حذف می‌شوند. در تحقیق حاضر از بین ۴۰۰ واژه با ۱۱۶ مورد حذف روبرو شدیم. از این تعداد بیشترین تکرار مربوط به انسدادی /t/ و /d/ می‌باشد. حذف این دو همخوان در زبان‌های بسیاری دیده و مطالعه شده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که حذف این دو واج از قاعده طبیعی بودن پیروی نموده است. همچنین حذف یک هجای کامل در دو مورد مشاهده گردید.

حال به بررسی فرایند حذف /t/ از خوشه همخوان /st/ می‌پردازیم. در بررسی حذف /t/ در خوشه همخوان /st/ در مرحله اول باقاعده طبیعی بودن روبرو هستیم چراکه این نوع حذف در زبان‌های بسیاری وقوع پیدا می‌کند. قاعده دیگر که در توجیه این حذف بکار می‌آید قاعده پیش‌بینی پذیری آوایی است همان‌گونه که در جدول زیر ملاحظه می‌شود حذف /t/ در مقوله‌های اسم، صفت و فعل دیده می‌شود. بر اساس همین داده‌ها /t/ تنها در صورتی که /s/ به /š/ تبدیل‌شده باشد برجا می‌ماند در غیر این صورت حذف می‌شود. یا حذف /t/ همراه با کشش اجباری /s/ و گاهی تبدیل /t/ به واج دیگر مثلاً /n/ در "فرستادن" دیده می‌شود اما امکان وقوع /t/ پس از /s/ تقریباً دیده نشد.

منبع	گزی	فارسی
گویشور	bassâmun	بستن
گویشور	šoštâmun	شستن
اسماعیلی ۱۳۷۵	vessâmun	ایستادن
اسماعیلی	feresnâmun	فرستادن
گویشور	Vis	بیست
گویشور	mâs	ماست
گویشور	Pusu	پوست
گویشور	Deves	دویست
گویشور	xâkesari	خاکستری

قاعده مؤثر ارجحیت است که تغییر هجای سنگین به سبک را نشان می‌دهد.

پس از توصیف قواعد به بازنمایی اعمال فرایند بر اساس مشخصه‌های واجی می‌پردازیم. برای مثال واژه "بیست" را بررسی می‌نماییم.

(قاعده ۴-۲)

$t \rightarrow s/vs - \#$

قاعده خطی فوق بیان می‌کند که /t/ در پایان هجا یا واژه در صورت جایگیری /s/ قبل از آن حذف خواهد شد. مشخصه‌های تمایزدهنده واجی دو واج ذکر شده بدین شرح است:

/t/	/s/
$\begin{bmatrix} +cons \\ +cor \\ -son \\ +cont \\ -voice \end{bmatrix}$	$\begin{bmatrix} +cons \\ +cor \\ -son \\ -cont \\ -voice \end{bmatrix}$

در گام بعدی به نحوه بازنمایی قاعده فوق می‌پردازیم:

$$\frac{\text{vist UR}}{\text{vis R}} = \text{PR}$$

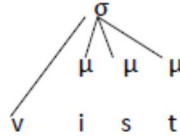
این واژه در زیرساخت به شکل /vist/ درج می‌شود. اعمال قاعده رسایی و همچنین مجاز نبودن هم‌جواری دو همخوان بیواک بر اساس مشخصه این دو واج دال بر حذف /t/ است. درنهایت برونداد این واژه به شکل /vis/ تجلی دارد. در اشتقاق فوق تغییر هجا نیز از هجای سنگین به هجای سبک‌تر مشاهده می‌گردد.

(قاعده ۴-۳)

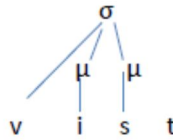
$cvcc \rightarrow cvc$

همان‌طور که مشاهده گردید /t/ در خارج از بافت واقع شده است و حذف می‌گردد. مراحل اشتقاق این واژه بدین شرح است:

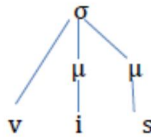
## الف) بازنمایی زیرساختی



## ب) اعمال قاعده حذف همراه با مورا



## ج) بازنمایی روساختی



گاهی حذف همراه با مشدد شدن همخوان مجاور و درواقع با همگونی کامل همراه است. این قاعده در واژه "پسته" بررسی می‌شود. (از آنجاکه گاهی چند فرایند واجی در یک‌زمان عمل می‌کنند در هر بخش به‌طور مجزا فقط به یک فرایند پرداخته شده است.)  
 قالب خطی:

(قاعده: ۴-۴)

$$[c_1c_1]c_1c_2 \rightarrow c_1 \emptyset \rightarrow$$



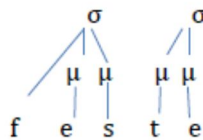
بازنمایی قاعده:

peste UR	
fese	R1
<u>fesse</u>	<u>R2</u>
fesse	PR

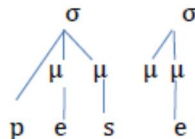
در واژه پسته پس از اعمال قاعده حذف R1 قاعده مشدد شدن همخوان مجاور اعمال شده است و R2 و درنهایت بازنمایی واژه به شکل fesse نشان داده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود در واژه فوق حذف همخوان موجب کشش همخوان پایانه هجای اول شده است. این نوع کشش در همخوان‌های مرز دو هجا رخ داده و به صورت مشدد نمایش داده می‌شود. در زبان فارسی میانه هجا مورایی است و در صورت حذف مورای آن باقی می‌ماند (زعفران لو، ۱۳۹۷) و چون در واژه فوق با حذف /t/ هجا بدون همخوان می‌شود و این مورد نیز در زبان فارسی وجود ندارد. لذا مورای آزاد لایه مبنا بر اساس قاعده فشردگی به عنصر واجی لایه واج در پایانه هجای اول متصل می‌شود و باعث کشیدگی آن همخوان می‌شود.

مراحل اشتقاق:

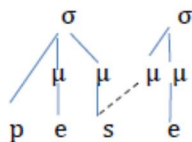
الف) بازنمایی زیرساختی



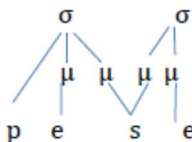
ب) اعمال قاعده حذف



## ج) کشش جبرانی همخوان پایانه هجای اول



## د) بازنمایی رو ساختی fesse



فرایند حاکم از نوع مشدد نیست چون تشدید به یک مورا و کشش جبرانی به دو مورا متصل است و از طرفی از نوع همگونی نیز نیست چون همگونی در اثر تغییر مشخصه است اما آنچه در این مثال دیده می‌شود کشش جبرانی در اثر حذف است.

اما گاهی حذف همخوان موجب کشش واکه می‌شود. برای بررسی وقوع این فرایند مراحل اشتقاق واژه

" فهم " از زیرساخت /fahm/ به روساخت /fä:m/ دنبال می‌کنیم.

قاعده حذف همخوان چاکنایی سایشی /h/ از پایانه هجا

(قاعده ۴-۵)

$$\begin{array}{c} \mu \\ | \\ h \rightarrow s / v \left\{ \begin{array}{l} -c \\ c - \end{array} \right. \end{array}$$

بر اساس قاعده فوق همخوان چاکنایی سایشی در لایه واجی از خوشه همخوان حذف می‌شود.

مشخصه واجی همخوان

/h/

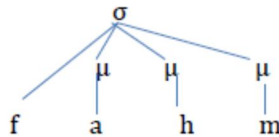
همخوان +  
واک -  
سایشی +  
چاکنایی +

-بازنمایی قاعده واجی

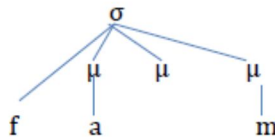
fahm UR  
fam R1  
faam R2  
fäm PR

-مراحل اشتقاق در قالب مورایی

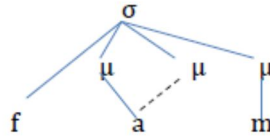
الف) بازنمایی زیرساختی



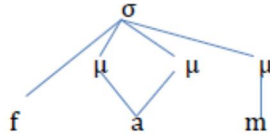
ب) اعمال قاعده حذف همخوان چاکنایی



## ج) اعمال قاعده کشش جبرانی واکه و اصل فشردگی



## د) بازنمایی روساختی



نمونه‌هایی از حذف همخوان همراه با کشش واکه در واژه‌های زیر دیده می‌شود:

فارسی	گزی	کشیدگی واکه
آستانه	?âssune	â→u
بهانه	Bune	a→u
جوان	je?un	â→u
نانوا	nunbâ	â→u
خمیر	?imir	a→i
مهربان	merebun	e→e:

## ۴-۲. فرایند درج

زعفران لو (۱۳۹۴) فرایند درج یا میان‌هشت را افزودن یک همخوان بین دو واکه به جهت رفع التقای دو واکه می‌داند. یا قرار گرفتن یک واکه میان دو همخوان تا خوشه همخوان در دو هجا را بشکند. وی درج را فراتر از واج و در واحد بزرگ‌تر یعنی نوایی می‌داند. علت اصلی درج

همخوان جلوگیری از توالی واکه یا تولید واکه در آغاز هجا است.<sup>۵</sup> گره آغاز در هجا جهانی است حتی اگر با عنصری پر نشود لذا آغاز محل وقوع درج است.<sup>۶</sup> پس واژه‌هایی که در آغاز جایگاه تهی دارند با فرایند درج انسدادی چاکنایی پر می‌شوند. در زبان فارسی نیز هیچ هجایی با واکه آغاز نمی‌شود. البته در پذیرفتن انسدادی چاکنایی به‌عنوان واج اختلاف نظر وجود دارد اما عده زیادی مانند دکتر ثمره در بررسی‌های آزمایشگاهی به این واج پرداخته‌اند. درج به‌طور کلی به این شکل نشان داده می‌شود:

(قاعده ۴-۶)

$$\emptyset \rightarrow x/A-B$$

قرارگیری همخوان میان دو واکه درج صامت میانجی نام دارد. این همخوان با یک یا هردو واکه مشخصه‌های آوایی مشابهی دارد. واج‌هایی که اغلب به‌عنوان میانجی درج می‌گردند واج‌های /w/، /v/، /h/، /g/، /y/، /ʃ/ هستند. اگر از ابتدای واژه همخوان حذف شود به دلیل ممنوعیت واکه در آغاز یک همخوان که معمولاً /ʔ/ است درج می‌شود. قاعده الزام همخوان در آغاز به این شکل است:

(قاعده ۴-۷)

$$\begin{array}{c} X \quad \sigma \\ | \quad | \\ \emptyset \rightarrow c / -v \end{array}$$

۵ (ادن، ۲۰۰۵) ۵

۶ (دوران، ۱۹۹۰) ۶

حال به بررسی این فرایند در گویش گزی می‌پردازیم. در این گویش درصد وقوع درج ۳٪/ مشاهده گردید. بیشترین میزان درج در صرف اسامی جمع و ضمائر ملکی متصل است. علامت جمع در این گویش /â/ لذا هنگام اضافه شدن به واژه‌هایی با پایانه واکه درج واج رخ می‌دهد.

فارسی	گزی	همخوان درج شده	پایانه هجا
بوها	bu	/w/	/u/
موها	mu	/y/	/i//ü/
نخودها	noxo-v-â	/v/	/o//ö//â/

البته اسماعیلی (۱۳۷۶) در این قاعده استثنائاتی مانند "مادرها" māmâ.â ذکر می‌کند. با توجه به داده‌های فوق اشتقاق روساختی [noxovâ] از صورت زیرساختی /noxo.â/ بررسی می‌نمائیم.

-قاعده خطی افزودن وند با فرایند درج متناسب با مشخصه‌ها به این شکل است:

$$\text{v} \rightarrow \text{v}/\text{V}+ -\text{V} \quad (\text{قاعده ۴-۸})$$

-بازنمایی اعمال فرایند درج از زیرساخت به روساخت:

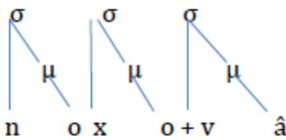
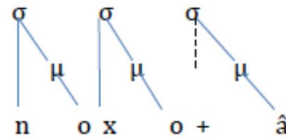
$$\begin{array}{l} \text{noxo. â UR} \\ \text{noxo. v. â} \quad \text{R} \\ \text{noxovâ} \quad \text{PR} \end{array}$$

-فرایند درج نیز منجر به هجابندی مجدد می‌شود:

$$\text{no.xo.âcv.cv.v no.xo.va cv.cv.cv}$$

پس در هجای آخر از درج واکه در آغاز هجا با درج همخوان جلوگیری شده و از طرفی مانع التقای دو واکه شده است.

-مراحل اشتقاق از زیرساخت تا کاربرد قاعده درج و نمود روساختی:



نشانه معرفگی در این گویش /e/ است که روند واج افزایی مانند جدول علامت جمع است. اما فرایند درج هنگام افزودن ضمیر ملکی متصل به علت شکستن زنجیره همخوان است و با درج واکه اعمال می‌شود. ضمائر ملکی متصل در گویش گزی به ترتیب به این شرح است:

m-d-ž-mun-dun-žun

ضمائر فوق هنگامی که به هجایی با پایانه همخوان متصل شوند برای ممانعت از هم‌جواری دو همخوان /â/ درج می‌شود. قاعده حاضر به این شکل نشان داده می‌شود:

σ → [â]/cvc-c (قاعده ۴-۹)

برای مثال مراحل اشتقاق واژه "همکار" را بررسی می‌کنیم: /?emkâr/

قاعده کلی درج واکه میان دو همخوان نشان می‌دهد درج واکه در مرز دو هجا بعد از همخوان دوم به علت جلوگیری از درج متوالی سه همخوان و یا در صورت وجود واکه کشیده در پایانه هجای دوم هنگام متصل شدن به همخوان دیگر در مرز واژه فرایند درج واکه رخ می‌دهد:

(قاعده ۴-۱۰)

σ → v / { cc - +c  
v: c - +c

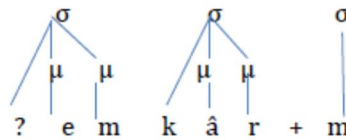
- اعمال این قاعده از زیرساخت به روساخت به این شکل است:

$$\begin{array}{r} ? \text{emkâr} + \text{m UR} \\ \hline ? \text{emkâr} + \hat{\text{a}} + \text{m R} \\ \hline ? \text{emkârâm} \quad \text{PR} \end{array}$$

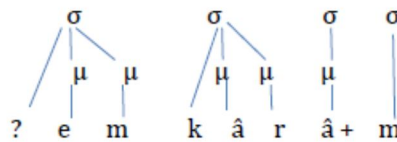
اعمال این فرایند مانع از ایجاد هجای سنگین CVCC در پایانه می‌شود.

-تحلیل مورایی این قاعده:

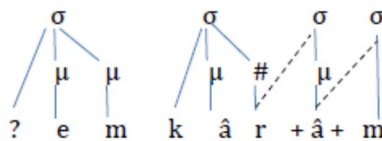
الف) اتصال ضمیر ملکی متصل در زیرساخت



ب) اعمال قاعده درج واکه



ج) بازنمایی روساختی





مورد مشاهده شده دیگر درج انسدادی چاکنایی در آغاز واژه که معمولاً پس از حذف یک همخوان و ایجاد هجایی با آغاز واکه‌ای رخ می‌دهد. قاعده حاکم ضرورت وجود همخوان در آغاز هجای فارسی است.

(قاعده ۴-۱۱)  $\varnothing \rightarrow ? / \# - v$

مراحل اعمال این قاعده را می‌توان در واژه "خمیر" مشاهده نمود:

ximir	UR	cv. cvc
imir	R1	v. cvc
<u>? imir</u>	<u>R2</u>	<u>cv. cvc</u>
? imir		PR

همان‌گونه که در قاعده خطی بالا مشاهده می‌شود پس از حذف /x/ از زیرساخت در ابتدای واژه هجای با آغاز واکه که در فارسی ممنوع است ایجاد می‌شود لذا با درج همخوان انسدادی چاکنایی /?/ هجای اول اصلاح شده است.

قاعده درج توزیع کامل دارد و علاوه بر ابتدای هجا و آغاز واژه در میان واژه نیز رخ می‌دهد. علاوه بر مثال‌های ذکر شده بالا می‌توان به درج واکه هنگام افزودن وند به پایه با مشخصه‌های واجی متناسب اشاره نمود. نمونه این وقوع را می‌توان در واژه "کارگر" بررسی نمود.

kâr + gar	UR
<u>kâr + i + gar</u>	<u>R</u>
karigar	P

/i/ دارای مشخصه متمایز [همخوان+ / پیشین+] است و پس از افزودن وند به پایه در خوشه همخوان مرز دو تکواژ دو همخوان متوالی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که به جهت سهولت تلفظ درج واکه انجام می‌شود. البته این قاعده اختیاری و صرفاً جهت سهولت تلفظ است. واکه /i/ دارای

مشخصه  $\left[ \begin{array}{l} \text{واکه} + \\ \text{پیشین} + \end{array} \right]$  است و در خصوصیت پیشین بودن با /r/ مشترک است. به علاوه اصل رسایی درج /i/ را توجیه می‌کند. قاعده فوق به این شرح نگاشته می‌شود:

(قاعده ۴-۱۲)

$$\text{ə} \rightarrow \text{i/cvc-c}$$

یکی دیگر از موارد مشاهده شده درج غلت است. درج غلت نقش تمایزدهنده ندارد و صرفاً در میان دو واکه به جهت التقای دو واکه است. هرگاه از دو واکه متوالی واکه اول دارای ویژگی افزایشی باشد یکی از نیم‌واکه‌های /w/ یا /j/ بین دو واکه درج می‌شود. برای مثال واژه "کجا" به شرح زیر اشتقاق پیدا می‌کند:

$$\text{کجا} \leftarrow \text{ku} \hat{\text{j}} \hat{\text{a}} \leftarrow \text{kuw} \hat{\text{a}}$$

در مثال فوق حذف [j] زمینه افزای اعمال قاعده درج نیم‌واکه w شده است:

$$\begin{array}{l} \text{ku} \hat{\text{j}} \hat{\text{a}} \text{ UR} \\ \text{ku.} \hat{\text{a}} \text{ R1} \\ \text{ku. w} \hat{\text{a}} \text{ R2} \\ \hline [\text{kuw} \hat{\text{a}}] \text{ PR} \end{array}$$

همان‌طور که قاعده فوق نشان می‌دهد ابتدا از لایه زیرساخت طی قاعده حذف [j] حذف شده و به دلیل محدودیت التقای واکه‌ها غلت درج می‌شود.

(قاعده ۴-۱۳)

$$\text{ə} \rightarrow \text{w/v-v}$$

چون واکه قبل از میانجی +افراشته است لذا درج w صورت گرفته است. شایان ذکر است که در بین داده‌ها ۳۳ مورد درج مشاهده شد که از این تعداد درج واکه و صامت تقریباً به یک‌میزان و درج غلت کمترین رخداد را نشان داد.

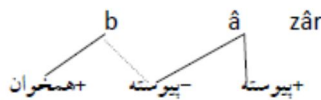
در واژه "بهتر" حذف /h/ همراه با باقی ماندن مورا است و به دلیل جلوگیری از کشش واکه و درعین حال حفظ وزن واژه /y/ درج شده است:

behtar	UR
vehtar	R1
ve.tar	R2
vey.tar	R3
veytar	PR

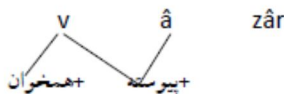
#### ۴-۳. تضعیف

تضعیف در جایگاه های خاصی از واژه تحت تاثیر همگونی و در جهت آن رخ می دهد. فرایند تضعیف اغلب منجر به کاهش انسداد و کشش همخوان می شود. تضعیف نتیجه اعمال مجموعه ای از فرایندهاست. یکی از نمونه های تضعیف رایج در گویش گزی تبدیل /b/ به /v/ است. سایشی شدگی یعنی تبدیل انسدادی قبل از واکه کشیده به سایشی، نوعی تضعیف است. به طور کلی تبدیل +گرفته به +پیوسته مربوط به اصل رسایی است. این فرایند در واژه "بازار" قابل بررسی است.

بازار ← bâzâr ← vâzâr



الف) قطع پیوند مشخصه پیوسته و گسترش پیوستگی واکه



ب) تبدیل /b/ به /v/

محیط واجی دیگری که در فرایند تضعیف شرکت دارد و در این گویش بسامد بالایی دارد تبدیل /b/ به /w/ در قاعده تضعیف و به دنبال آن واکه افتاده قبل از /w/ به /o/ تبدیل می‌شود؛ یعنی دو قاعده زیر به دنبال یکدیگر اعمال می‌شوند:  
(قاعده ۴-۱۴)

$$\begin{array}{c} \sigma \\ | \\ v \rightarrow w / \quad [-\text{con}] -\$/ \end{array}$$

$$a \rightarrow o / -w\$ \quad \text{(قاعده ۴-۱۵)}$$

با توجه به قواعد بالا، صورت اشتقاقی واژه "سبز" را از زیرساخت به روساخت بررسی می‌نماییم:

$$\text{sowz} \leftarrow \text{sabz}$$

بازنمایی زیر ساختی sabz

قاعده تضعیف savz

قاعده تضعیف sawz

قاعده همگونی sowz

بازنمایی رو ساختی [sowz]

فرایند تضعیف در تبدیل /r/ به /l/ نیز در این گویش مشاهده گردید. بر اساس تقسیم‌بندی<sup>۷</sup> واج‌ها از لحاظ رسایی به دو گروه رسا شامل: نیآسوده، زنشی، نیم‌واکه، غلت، روان و گرفته: انسدادی، انسایشی و لرزشی تقسیم می‌شوند. بر این اساس میزان رسایی این تبدیل را توجیه می‌کند. این قاعده را در واژگان زیر می‌توان دید:

خیار ← xiyal کرک ← kolk شلوار ← Šalvâl

در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود که همخوان لرزشی  $r$  بر اساس اصل رسایی با همخوان کناری  $l$  جایگزین شده است. قاعده این فرایند به این شرح است:

(قاعده ۴-۱۶)

$$a \rightarrow o / -w\$/$$

## ۵- نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد این گویش در راستای قواعد جهانی تمایل به ساده شدن هجا و رعایت اصل صرفه اقتصادی دارد. لذا حذف واج پایانی که بسیار در این گویش بسیار دیده می‌شود شاهدهی بر این مدعاست. فرایندهای واجی در آن بر اساس قواعد و اصول زایشی کاملاً توجیه‌پذیر است. مثلاً حذف واج آغازه در این گویش مانند فارسی دیده نمی‌شود و اگر گره آغازه حذف داشته باشد با انسدادی چاکنایی پر می‌شود. در بسیاری از واژگان حذف  $/q/$  در پایان واژه مشاهده شد و انتظار می‌رفت حذف واج  $/q/$  در پایان واژه پس از  $/\hat{a}/$  به صورت اصل باشد لیکن از آنجاکه این حذف سبب تمایز معنایی می‌شد لذا در گروه اختیاری قرار دارد.

داغ da باز daq

ترکیب  $st$  در این گویش دیده نمی‌شود. از این رو اغلب در این ترکیب واج  $/t/$  حذف و  $/s/$  همراه با کشش جبرانی ادا می‌شود یا دیده شد که  $/t/$  به  $/n/$  تبدیل می‌شود. واج  $/x/$  از ابتدای واژه حذف می‌شود. اگر حذف در مرز هجا انجام شود و مورا باقی بماند به شکل مشدد شدن همخوان هجای اول و کشش همخوان رخ می‌دهد. درج اغلب به علت حذف یک واج و بر جا ماندن مورا است که این جایگاه به وسیله فرایند درج تکمیل می‌گردد. از جمله بافتهای وقوع درج هنگام افزودن وند جمع  $/a/$  و علامت معرفه  $/e/$  می‌باشد که با درج  $/w/$ ،  $/y/$ ،  $/v/$  همراه است. توالی واج‌های با ویژگی مشابه سبب درج می‌شود. مانند درج  $/z/$  یا  $/w/$  میان دو واکه متوالی با ویژگی‌های مشابه. در اعمال فرایند تضعیف اعمال قاعده رسایی دیده می‌شود و تبدیل  $/b/$  به  $/w/$  در این گویش بسیار پربسامد است. در تمام اعمال فرایندهای حذف و درج و تضعیف گزارش شده پیروی از اصول زایشی دیده می‌شود. لذا این گویش در چارچوب نظریه زایشی توصیف‌پذیر و قابل تحلیل است.

## منابع فارسی

اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۵)، بررسی گویش گز و برخوار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دبیرمقدم، محمد، (۱۳۸۳)، زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران، سمت. روح‌بخشان، ع (۱۳۷۵)، سابقه لهجه‌شناسی علمی در ایران، فصلنامه فرهنگستان، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۷۶-۱۸۱.

زعفران لو کامبوزیا، ع. (۱۳۹۷)، واج‌شناسی، رویکردهای قاعده بنیاد، تهران، نشر سمت. زمانی، محمد (۱۳۹۱)، تحلیل توصیف فرایندهای واجی-آوایی کردی (گویش کلهری)، ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه کردستان.

زعفران لو کامبوزیا، الهام ثباتی، فردوس آقا گل زاده (۱۳۹۴)، فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۲-۴.

عظیمیان، سیما، (۱۳۸۷)، بررسی گویش گزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. فاضل، احمد، (۱۳۸۶)، ساختار فعل در گویش گزی، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، پیاپی ۵۳، شماره ۴.

Catford, J., 1988, A Practical Introduction to Phonetics, Oxford

Durand, J. (1990) Generative and non-linear Phonology. London: Longman

Kiparsky, P. (2016). Labov, sound change, and phonological theory. Journal of Sociolinguistics, 20(4), 464-488.

Kortmann, B. (Ed.). (2004). Dialectology meets typology: Dialect grammar from a cross-linguistic perspective (Vol. 153). Walter de Gruyter.

Odden, D. a. (2005). Introducing Phonology. Cambridge, UK: Cambridge University Press